



واکاوی ژئوپلیتیک سیاست‌گذاری اقلیم کردستان عراق در قبال اقلیت‌های مذهبی و پیامدهای آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

انور نوخواه^۱، مسعود مطلبی^۲، اسدالله اطهری^۳

۳۵

چکیده

اقلیم کردستان عراق به واسطه بافت متکثر قومی و مذهبی، همواره عرصه‌ی کنش‌گری‌های پیچیده‌ی امنیتی بوده است. سیاست‌گذاری دولت اقلیم کردستان (KRG) در قبال اقلیت‌های مذهبی (از جمله ایزدی‌ها، مسیحیان و کاکه‌ای‌ها)، فراتر از رویکردهای حقوق بشری، به‌عنوان ابزاری راهبردی برای کسب مشروعیت بین‌المللی و تثبیت موقعیت در برابر دولت مرکزی عراق به‌کار گرفته شده است. این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و چارچوب نظری «امنیت منطقه‌ای» باری بوزان و «واقع‌گرایی ساختاری» والتز به دنبال پاسخ به این پرسش است که سیاست‌های اقلیم در قبال این اقلیت‌ها، چه تأثیری بر هندسه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رویکرد اقلیم، با ایجاد بسترهای نفوذ برای بازیگران فرامنطقه‌ای در مناطق پیرامونی ایران، می‌تواند چالش‌های امنیتی نوپدید از قبیل نفوذ اطلاعاتی-امنیتی، تضعیف عمق استراتژیک و تحریک گسل‌های هویتی در غرب کشور را دامن بزند. در نهایت، مقاله ضمن نقد انفعال در سیاست‌گذاری‌های امنیتی صرف، پیشنهاد می‌کند جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ «دیپلماسی مذهبی-اقتصادی» فعال و حضور ساختاری در مناطق اقلیت‌نشین، به‌جای رویکرد واکنشی، به سمت مدیریت کنشی محیط پیرامونی حرکت نماید تا از تبدیل شدن این اقلیت‌ها به کانون‌های ناامنی جلوگیری کند. **کلیدواژه‌ها:** اقلیم کردستان عراق، اقلیت‌های مذهبی، امنیت ملی ایران، ژئوپلیتیک، امنیت منطقه‌ای، نفوذ اطلاعاتی.

دوره ۱۰، شماره ۱، پیاپی ۳۶

بهار ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۱۱/۱۹

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۵/۰۳/۲۳

صص: ۲۹۴-۲۷۵

شاپا چاپ: ۴۵۶۵-۲۵۸۸

الکترونیکی: ۰۳۸۱-۲۷۱۷



۱. دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Mmtph2006@yahoo.com

۳. گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۱. مقدمه

در منظومه‌ی پیچیده‌ی ژئوپلیتیک غرب آسیا، تحولات درونی دولت-ملت‌ها و اقلیم‌های خودمختار، نقش تعیین‌کننده‌ای در ترسیم «هندسه‌ی قدرت» و «امنیت منطقه‌ای» ایفا می‌کنند. اقلیم کردستان عراق (KRG)، با توجه به بافت متکثر قومی و مذهبی و موقعیت ژئوپلیتیکی منحصر به فرد خود در مجاورت جمهوری اسلامی ایران، همواره یکی از کانون‌های پرتنش و در عین حال، فرصت‌ساز منطقه‌ای بوده است. در سال‌های اخیر، سیاست‌گذاری اقلیم در قبال اقلیت‌های مذهبی غیرمسلمان (مانند ایزدی‌ها، مسیحیان، کاکه‌ای‌ها و صابین‌الصبئه)، بیش از آنکه در چارچوب «مسئولیت‌های حقوق بشری» یا «تنوع فرهنگی» قابل تفسیر باشد، به ابزاری راهبردی برای «کسب مشروعیت بین‌المللی»، «جذب حمایت قدرت‌های فرامنطقه‌ای» و «تقویت موقعیت چانه‌زنی اقلیم» در برابر دولت مرکزی بغداد و همچنین بازیگران منطقه‌ای بدل شده است.

این رویکرد «امنیت‌سازی» از سوی اقلیم، در حالی که ممکن است در سطح داخلی به توجیه استقلال بیشتر یا جلب کمک‌های خارجی منجر شود، اما پیامدهای مستقیم و غیرمستقیمی را بر «امنیت ملی» جمهوری اسلامی ایران تحمیل می‌کند. به‌ویژه، «نفوذ قدرت‌های رقیب» از طریق حمایت از این اقلیت‌ها، «تغییر بافت جمعیتی مناطق استراتژیک مرزی» (مانند سنجار و دشت نینوا)، و «ایجاد گسل‌های هویتی جدید» در مناطق هم‌جوار ایران، چالش‌هایی جدی را در «عمق استراتژیک» جمهوری اسلامی ایران ایجاد می‌کند. با این حال، خلأی پژوهشی در ادبیات موجود مشاهده می‌شود که به تحلیل عمیق و نظام‌مند «پیوند متقابل» میان سیاست‌های اقلیمی کردستان عراق در قبال اقلیت‌ها و «بازتاب‌های امنیتی» آن بر ایران، به‌ویژه از منظر «ژئوپلیتیک منطقه» و با استفاده از «نظریه‌های امنیت منطقه‌ای»، پرداخته باشد.

درک این «پدیده‌ی چندوجهی» - یعنی چگونگی تبدیل سیاست‌های داخلی اقلیم به «تهدیدات امنیتی خارجی» - برای تدوین «راهبردهای کنشی» و «دیپلماسی فعال» جمهوری اسلامی ایران در قبال غرب عراق، امری حیاتی است. فقدان چنین تحلیلی، می‌تواند منجر به «واکنش‌های انفعالی» و «فرسایش تدریجی منافع امنیتی» ایران در یک منطقه‌ی بسیار حساس و تعیین‌کننده گردد. لذا، این

1. Kurdistan Regional Government (KRG)
2. Securitization

پژوهش در صدد است تا با واکاوی «ابعاد ژئوپلیتیکی» سیاست‌گذاری اقلیم کردستان عراق نسبت به اقلیت‌های مذهبی، «پیامدهای امنیتی» آن را بر جمهوری اسلامی ایران شناسایی، تبیین و در نهایت، راهکارهایی را برای «مدیریت کنشی» این چالش‌ها ارائه نماید.

۲. پیشینه پژوهش

این پژوهش با هدف واکاوی ژئوپلیتیک سیاست‌گذاری اقلیم کردستان عراق (KRG) در قبال اقلیت‌های مذهبی و پیامدهای آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، بر مبنای مطالعات پیشین در سه حوزه‌ی کلیدی مرتبط، استوار است:

۲-۱. مطالعات ژئوپلیتیک و ساختار سیاسی اقلیم کردستان عراق: یکی از بسترهای اساسی

این پژوهش، درک جایگاه ژئوپلیتیکی اقلیم کردستان عراق در محیط منطقه‌ای است. آثاری چون یزدان پناه و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ی «تحلیلی بر ژئوپلیتیک اقلیم کردستان عراق بعد از فروپاشی داعش»؛ محمدی و خالدی (۱۳۹۱) در کتاب «ژئوپلیتیک کردستان عراق» و عیسی و نجار (۱۳۹۰) در مقاله‌ی «ویژگی‌های اقلیم کردستان عراق» به بررسی عوامل تعیین‌کننده‌ی قدرت و ضعف اقلیم در منطقه‌ای ناپایدار پرداخته و بر نقش «بازیگران خارجی» (مانند قدرت‌های غربی و منطقه‌ای) در شکل‌دهی به سیاست‌های اقلیم تأکید کرده‌اند. همچنین، پژوهش‌های ماندانا هندی (۲۰۲۴) در کتاب «دولت‌سالاری کردی: دولت منطقه‌ای کردستان»؛ بیلدیریم (۲۰۲۰) در کتاب «چشم‌اندازها و دیپلماسی سیاست خارجی حکومت اقلیم کردستان: نقش بین‌المللی حکومت اقلیم کردستان و توسعه آینده پارادایم‌سازی آن» و جی. آر. استنسفیلد (۲۰۰۳) در کتاب «کردستان عراق: توسعه سیاسی و دموکراسی نوظهور» عمیقاً به «ساختار سیاسی شکننده»ی اقلیم، رقابت‌های داخلی میان احزاب کردی، و «وابستگی متقابل» اقلیم به قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی پرداخته‌اند. این مطالعات، فرض اساسی پژوهش حاضر را مبنی بر اینکه سیاست‌های اقلیم، بیش از آنکه صرفاً داخلی باشند، «تابعی از موازنات قدرت منطقه‌ای» تلقی می‌شوند، تقویت می‌کنند. بسیاری از این پژوهش‌ها، به «نفوذ قدرت‌های خارجی» در اقلیم اشاره کرده‌اند، اما کمتر به این مسأله پرداخته‌اند که چگونه این نفوذ، از طریق «سیاست‌گذاری اقلیت‌ها»، مستقیماً بر امنیت ملی همسایگان (به‌ویژه ایران) تأثیر می‌گذارد.

۲-۲. مطالعات جامعه‌شناختی و حقوقی اقلیت‌های مذهبی در عراق و اقلیم کردستان: حوزه‌ی

دوم مطالعاتی، به بررسی وضعیت اقلیت‌های مذهبی در عراق و اقلیم کردستان اختصاص دارد. گزارش‌های سالانه‌ی «گروه بین‌المللی حقوق اقلیت‌ها»^۱ به طور مداوم، وضعیت حقوقی و امنیتی اقلیت‌های مذهبی را در مناطق مختلف عراق، از جمله اقلیم، رصد کرده و به «آسیب‌پذیری» این گروه‌ها در برابر خشونت‌های فرقه‌ای، تروریسم و سیاست‌های تبعیض‌آمیز اشاره داشته‌اند. پژوهش‌هایی نظیر قاسم بایز و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ی «حمایت سیاسی از حقوق اقلیتها در میان کردها با تمرکز بر اقلیم کردستان عراق»؛ ابوالفتحی و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله «جنش کردی و تعارضات هویتی-قومی عراق (تمرکز بر دوران بعد از فروپاشی سلطنت در عراق)» و نیری و انصاری (۱۳۹۱) در مقاله «نقش قومیت‌ها در تکاپوی فدرالیسم نوین سیاسی عراق»، به این موضوع پرداخته که چگونه «نامنی فراگیر» و «خلاء قدرت مرکزی»، اقلیت‌ها را در معرض سوءاستفاده‌ی بازیگران مختلف (اعم از دولت اقلیم، دولت مرکزی، و گروه‌های شبه‌نظامی) قرار داده است. این مطالعات، هرچند به «وضعیت آسیب‌پذیر» این اقلیت‌ها اشاره دارند، اما کمتر به این پرداخته‌اند که چگونه «اقلیم کردستان»، این «آسیب‌پذیری» را به یک «اهرم ژئوپلیتیکی» در روابط خود با ایران و قدرت‌های منطقه‌ای بدل ساخته است. این پژوهش سعی دارد تا این «شکاف تحلیلی» را با پیوند دادن وضعیت اقلیت‌ها به «استراتژی‌های قدرت» اقلیم، پر کند.

۲-۳. مطالعات امنیتی و مرزی: نفوذ، امنیت ملی و قدرت‌های منطقه‌ای: حوزه‌ی سوم، به

مطالعات «امنیت ملی» و «ژئوپلیتیک مرزی» مربوط می‌شود. آثاری چون رجبی (۱۴۰۲) در مقاله «راهبرد و الگوی رفتاری اقلیم کردستان عراق در تقابل جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی»؛ رکابیان و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله «روابط رژیم صهیونیستی با اقلیم کردستان عراق و چالش‌های پیش‌روی محور ایران (۲۰۱۱-۲۰۲۴)»؛ پوستینچی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «اسرائیل؛ استقلال خواهی کردستان عراق و تهدیدات آن برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»؛ رضایی و نصری (۱۴۰۱) در مقاله «مهم‌ترین کنشگران تحول‌آفرین در اقلیم کردستان عراق»؛ احمدزاده (۱۴۰۱) در مقاله «حضور نیروهای معاند در اقلیم کردستان و پیامدهای امنیتی آن برای ج.ا. ایران»؛ بوژمهرانی و پوراسلامی (۱۳۹۳) در مقاله «تهدیدهای نرم خودمختاری اقلیم کردستان عراق و تأثیر آن بر کردهای

ایران؛ نصری و رضایی (۱۳۹۲) در مقاله «امکان‌سنجی استقلال اقلیم کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» به تحلیل «تهدیدات نرم و سخت» علیه امنیت ملی ایران در محیط پیرامونی پرداخته و بر اهمیت «عمق استراتژیک» تأکید کرده‌اند. همچنین، این پژوهش‌ها ضمن اشاره به نقش «رقابت قدرت‌های منطقه‌ای» (ایران، ترکیه، عربستان) در شکل‌دهی به ناامنی‌های مرزی، حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای» (مانند آمریکا و اسرائیل) در غرب آسیا و تأثیر آن بر امنیت ایران را نیز مورد بررسی قرار داده‌اند. با این حال، ارتباط مستقیم میان «سیاست‌های اقلیمی KRG در قبال اقلیت‌ها» و «کاهش عمق استراتژیک ایران» یا «ایجاد کانون‌های نفوذ اطلاعاتی-امنیتی رقا» در مناطق مرزی، کمتر به صورت یک «پارادایم تحلیلی منسجم» مورد بحث قرار گرفته است. این پژوهش سعی دارد با تلفیق نظریه‌ی «مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای» باری بوزان^۱ (برای درک پیوند منطقه‌ای) و «واقع‌گرایی ساختاری» کنت والتز^۲ برای تحلیل ابزارسازی اقلیم از اقلیت‌ها، این خلأ را پر نماید.

نکته‌ی کلیدی در تمایز پژوهش حاضر نسبت به آثار بررسی شده اینستکه مطالعات پیشین، هر یک از ابعاد ژئوپلیتیک اقلیم، «وضعیت اقلیت‌ها» و «امنیت ملی ایران» و به صورت مجزا یا در سطحی محدود به این موضوع توجه کرده‌اند. در حالیکه این پژوهش با نگاهی «یکپارچه‌نگر»، به دنبال تحلیل «دیالکتیک میان سیاست‌های هویتی اقلیم» و «پیامدهای استراتژیک امنیتی» آن برای ایران است. پژوهش حاضر، فراتر از توصیف وضعیت، به دنبال تبیین «مکانیسم‌های ژئوپلیتیکی» است که از طریق آن‌ها، سیاست‌های اقلیم به «تهدیدات امنیتی» ایران بدل می‌شوند و در نهایت، راهکارهایی «ایجابی» برای «مدیریت کنشی» این محیط امنیتی ارائه می‌دهد.

۳. روش شناسی

این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحلیل توصیفی-تبیینی، به واکاوی ابعاد ژئوپلیتیک سیاست‌گذاری اقلیم کردستان عراق در قبال اقلیت‌های مذهبی و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. در این راستا، با اتخاذ «نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای» باری بوزان و «واقع‌گرایی ساختاری» کنت والتز به عنوان چارچوب نظری، تلاش شده است تا فرآیند

1. Barry Buzan
2. Kenneth Waltz

«امنیت‌سازی»^۱ در رفتار کنشگران تبیین گردد. گردآوری داده‌ها با استفاده از «روش اسنادی» و مبتنی بر تحلیل محتوای استراتژیک گزارش‌های نهادهای بین‌المللی، اسناد رسمی احزاب اقلیم، بیانیه‌های امنیتی و گزارش‌های مراکز مطالعاتی معتبر صورت گرفته است. با توجه به ماهیت کنشی موضوع، در تحلیل یافته‌ها از «روش مطالعه موردی» جهت بررسی پیامدهای حضور بازیگران فرامنطقه‌ای در مناطق اقلیت‌نشین و بازتاب آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران استفاده شده است؛ تا از این طریق، ضمن شناسایی الگوی رفتاری اربیل، راهبردهای مقابله‌ای در قالب دیپلماسی کنشی صورت‌بندی گردد.

۴. مبانی نظری

پژوهش حاضر در تبیین سیاست‌گذاری اقلیم کردستان عراق در قبال اقلیت‌های مذهبی و پیامدهای آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از تلفیق دو رویکرد «واقع‌گرایی ساختاری» و «نظریه‌ی مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای» بهره می‌برد.

۴-۱. واقع‌گرایی ساختاری (نئورئالیسم) و ابزارسازی سیاسی: از منظر کنت والتز، ساختار نظام بین‌الملل، کنشگران را مجبور به رفتارهای «خوداتکا» می‌کند (Waltz, 1979, 73-76). در این چارچوب، اقلیم کردستان عراق اگرچه یک دولت مستقل نیست، اما به عنوان یک «بازیگر کنشگر»^۲ در محیط آنارشیک خاورمیانه، برای بقا و افزایش قدرت، دست به «ابزارسازی» از متغیرهای هویتی (اقلیت‌های مذهبی) می‌زند. مطابق با این نظریه، اقلیم کردستان از طریق «دیپلماسی قربانی‌انگاری» اقلیت‌ها، سعی دارد به عنوان یک «جزیره‌ی ثبات و تساهل و پناهگاه امن اقلیت‌ها» در میان دریایی از ناامنی مذهبی عراق معرفی شود. این رفتار در واقع یک استراتژی بقای ساختاری است تا با جذب حمایت قدرت‌های فرامنطقه‌ای (مانند آمریکا و اتحادیه اروپا)، موازنه قدرت را به نفع خود و در برابر تهدیدات دولت مرکزی و همسایگان از جمله جمهوری اسلامی ایران تغییر دهد. بنابراین، سیاست‌گذاری در قبال اقلیت‌ها نه یک امر صرفاً بشردوستانه، بلکه یک «کنش عقلانی واقع‌گرایانه» برای تثبیت جایگاه سیاسی است.

1. Securitization
2. Structural Realism
3. Regional Security Complex Theory
4. Self-help
5. Non-state actor

۴-۲. نظریه مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای (RSCT): مفهوم «مجموعه امنیتی منطقه‌ای» برای نخستین بار توسط باری بوزان در کتاب مردم، دولتها و هراس مطرح گردید. مبتنی بر این نظریه باری بوزان معتقد است که امنیت دولت‌ها در یک «مجموعه‌ی امنیتی» به هم گره خورده است. در این دیدگاه، اقدامات یک بازیگر در یک منطقه، به دلیل «وابستگی متقابل امنیتی»، بلافاصله بر امنیت همسایگان او تأثیر می‌گذارد. مطابق با این نظریه اقلیم کردستان و مناطق مرزی غرب ایران، تشکیل‌دهنده‌ی یک «مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای» هستند. بوزان معتقد است که «امنیت‌سازی» زمانی رخ می‌دهد که یک موضوع از سطح سیاست عادی به سطح «مسأله‌ی امنیتی» ارتقا یابد (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۱۹-۲۱۲). اقلیم با سیاست‌گذاری‌های خود، در حال «امنیتی‌سازی» زیست‌بوم اقلیت‌ها در مناطق هم‌جوار با ایران است. وقتی اقلیم، اقلیت‌ها را به عنوان «متحدان استراتژیک» یا «پایگاه‌های نفوذ» خود معرفی می‌کند، این اقدام از نگاه جمهوری اسلامی ایران به عنوان «تلاش برای تغییر بافت امنیتی مرزها» و «تسهیل نفوذ بازیگران رقیب» (مانند اسرائیل یا جریان‌های ناتو) تلقی می‌شود. این نظریه به ما کمک می‌کند تا بفهمیم چرا تحرکات به ظاهر کوچک در اقلیم، برای امنیت ملی ایران دارای ابعاد «حیاتی» است.

۴-۳. پیوند میان نظریات: مکانیسم انتقال تهدید: ترکیب این دو نظریه، مدل تحلیلی پژوهش تحقیق حاضر را شکل می‌دهد:

الف) سطح خرد (اقلیم): بر اساس واقع‌گرایی، اقلیم از اقلیت‌ها به عنوان «اهرِم قدرت» استفاده می‌کند تا مشروعیت و امنیت خود را در آنا‌رشی خاورمیانه تضمین کند.

ب) سطح کلان (منطقه‌ای): بر اساس نظریه‌ی بوزان، این تحرکات، «وابستگی امنیتی» ایجاد می‌کند و به دلیل نزدیکی جغرافیایی و گسل‌های هویتی، این اقدامات در ایران به عنوان «تهدید نرم» (نفوذ اطلاعاتی، فرهنگی و امنیتی) درک می‌شود.

تلفیق این دو دیدگاه، «مدل انتقال تهدید» را در این پژوهش آشکار می‌سازد. از یک سو، اقلیم کردستان تحت فشار ساختاری برای بقا، از اقلیت‌های مذهبی به عنوان «اهرِم نفوذ نرم» استفاده می‌کند تا با جذب حمایت‌های فرمانطقه‌ای، موازنه‌ی قدرت را در محیط پیرامونی ایران تغییر دهد. از سوی دیگر، نظریه‌ی بوزان تبیین می‌کند که چگونه این «استراتژی بقای اقلیم»، در تهران به عنوان «تهدید

1. Securitization

امنیتی» ادراک می‌شود؛ چرا که این سیاست‌گذاری‌ها، بستر لازم را برای حضور اطلاعاتی-امنیتی رقبای ایران در حیط خلوت استراتژیکش فراهم می‌آورد. بنابراین، این سیاست‌گذاری‌ها در اقلیم کردستان، نه کنش‌های ایزوله، بلکه بخش جدایی‌ناپذیر از یک «فرآیند امنیتی‌سازی کلان» هستند که توازن قدرت را در غرب ایران بازتعریف می‌کنند. در بیانی شفاف‌تر این مبانی نظری بر این تأکید است که سیاست‌گذاری اقلیم در قبال اقلیت‌ها را نباید ایزوله دید. بلکه این سیاست‌ها، یک «مکانیسم کنشی» هستند که هدف آن‌ها، تغییر موازنه در «عمق استراتژیک» ایران است. از این رو، جمهوری اسلامی ایران نیز برای حفظ امنیت ملی خود، نیازمند گذار از «انفعال» به «دیپلماسی کنشی» است تا بتواند با مدیریت ادراکی اقلیت‌ها و ایجاد پیوندهای اقتصادی، «فرصت‌های امنیتی اقلیم» را به «منافع مشترک امنیتی» تبدیل کند.

در نهایت، چارچوب نظری حاضر استدلال می‌کند که برای مواجهه با این فرآیند، جمهوری اسلامی ایران باید از رویکرد «واکنش سخت» یا «انفعال مطلق» عبور کرده و به سمت «دیپلماسی کنشی» حرکت کند. بر اساس این مدل، اگر ایران بتواند از طریق کنسرسیوم‌های اقتصادی فرامرزی و حمایت‌های حقوقی متوازن، جایگاه خود را در میان این اقلیت‌ها بازیابی کند، می‌تواند «تهدیدات ژئوپلیتیکی» ناشی از نفوذ دیگران را به «منافع امنیتی مشترک» تبدیل نماید. مطابق با این مبانی نظری امنیت ملی در مرزهای غربی، تابعی از «توانایی ایران در مدیریت ادراکی و هویتی محیط پیرامونی» است؛ محیطی که اقلیم کردستان اکنون در حال بازسازی آن مطابق با منافع ژئوپلیتیکی خود است.

جدول شماره (۱): مبانی نظری پژوهش

نظریه اصلی	مفاهیم کلیدی	ارتباط با موضوع	برای پژوهش
واقع‌گرایی ساختاری (نئورئالیسم)؛ (کنت والتز)	- آنارشیسم نظام بین‌الملل - خوداتکایی - موازنه قدرت - بازیگران غیردولتی - ابزارسازی	- اقلیم کردستان به عنوان بازیگر غیردولتی، برای بقا و افزایش قدرت، دست به ابزارسازی از سیاست‌های اقلیتی می‌زند.	- تحلیل سیاست‌های اقلیم به عنوان کنشی عقلانی و مبتنی بر منافع بقا، نه صرفاً اقدامات بشردوستانه. - تمرکز بر چگونگی استفاده اقلیم از اقلیت‌ها به عنوان اهرم فشار یا مشروعیت‌سازی.

	<p>منافع ساختاری اقلیم در محیط منطقه‌ای ناپایدار است.</p> <p>- هدف، تغییر موازنه قدرت به نفع اقلیم در برابر بغداد و همسایگان است.</p>		
<p>نظریه مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای (باری بوزان)</p>	<p>- وابستگی متقابل امنیتی</p> <p>- مجموعه امنیتی منطقه‌ای</p> <p>- امنیت‌سازی</p> <p>- تهدید نرم</p> <p>- گسل‌های هویتی</p>	<p>- روابط امنیتی ایران و اقلیم کردستان در یک مجموعه امنیتی مشترک تعریف می‌شود.</p> <p>- اقدامات اقلیم در قبال اقلیت‌ها، در ایران به عنوان «تهدید امنیتی» ادراک می‌شود.</p> <p>- این اقدامات بستر نفوذ بازیگران رقیب و فعال‌سازی گسل‌های هویتی در مرز ایران را فراهم می‌کند.</p>	<p>- تبیین پیامدهای امنیتی سیاست‌های اقلیم برای ایران؛ از جمله نفوذ، تغییر بافت جمعیتی، و تضعیف عمق استراتژیک.</p> <p>- تحلیل اینکه چگونه اقدامات اقلیم، «فضای امنیتی» پیرامون ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. - درک عمق استراتژیک ایران و گسل‌های هویتی به عنوان متغیرهای امنیتی کلیدی.</p>
<p>تلفیق نظریات (مدل پژوهش)</p>	<p>- مکانیسم انتقال تهدید</p> <p>- دیپلماسی کنشی</p> <p>- مدیریت ادراکی</p> <p>- کنسرسیوم‌های اقتصادی فرا- قومی</p>	<p>- سیاست‌های اقلیمی اقلیم (کنش عقلانی-واقع‌گرایانه) از طریق وابستگی متقابل امنیتی، مستقیماً بر امنیت ملی ایران تأثیر می‌گذارد.</p> <p>- این پژوهش به دنبال ارائه راهکارهایی برای مدیریت کنشی این تهدیدات از طریق دیپلماسی و مدیریت ادراکی است</p>	<p>- ارائه یک چارچوب تحلیلی منسجم برای پیوند زدن رفتار بازیگر (اقلیم) به پیامدهای امنیتی (ایران).</p> <p>- مبنایی برای پیشنهاد راهبردهای عملیاتی در بخش نتیجه‌گیری.</p>

۵. ژئوپلیتیک دولت اقلیم کردستان عراق

اقلیم کردستان، منطقه‌ی خودمختار در بخش شمالی کشور عراق است که از شرق با ایران از شمال با ترکیه و از غرب با سوریه هم‌مرز است. پایتخت آن اربیل است. در این منطقه علاوه بر کردها که ساکنان اصلی و اکثریت جمعیت هستند، آشوری‌ها، ترکمان‌ها، عرب‌ها و ارمنی‌ها نیز زندگی می‌کنند. اکثریت مردم کردستان، مسلمان سنی‌مذهب هستند و سایر مردم، مسیحی، یهودی، زرتشتی، مندائی، یارسان و شیعه هستند. در زمان عراق بعثی، آن حکومت تصمیم گرفت منطقه‌ای حائل در مرزهای شمالی خود با ایران ایجاد کند و برای این منظور از سال ۱۹۶۳ تا پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سال ۱۹۸۸ در حدود چهار هزار روستای کردنشین را در این منطقه ویران کرد. ساکنان این مناطق و به‌طور کل حدود ۲۵ درصد از جمعیت کردنشین عراق به اجبار به نقاط دیگر عراق تبعید شدند و در این روند ۳۰۰ هزار کرد نیز جان خود را از دست دادند. فاجعه انفال یکی از بدترین بحران‌های جنگ ایران و عراق و یکی از بدترین نسل‌کشی‌ها در سده بیستم میلادی است. حمله شیمیایی به حلبچه نیز یکی از عملیات‌های این فاجعه بود. اقلیم کردستان عراق از سال ۱۹۹۱ تاکنون به عنوان منطقه‌ای خودمختار در کشور عراق، شناخته می‌شود.

کردستان عراق میان نه استان واقع شده است؛ که از این میان حکومت اقلیم کردستان بر چهار استان اربیل، سلیمانیه، دهوک و به تازگی استان حلبچه از استان سلیمانیه جدا و مستقل شده است و نیز قسمت‌هایی از استان‌های نینوا و دیاله چیرگی دارد. همچنین حکومت کردستان درخواست پیوستن استان کرکوک و بخش‌های بزرگ‌تری از استان‌های نینوا، دیاله و صلاح‌الدین و واسط را کرده است. اقلیم کردستان دارای پارلمان ۱۰۰ نفره، نخست‌وزیر و هیات دولت محلی است. ۱۷ درصد بودجه کشور عراق به اقلیم کردستان اختصاص دارد. زبان رسمی آن کردی و پرچمش هم از پرچم عراق متفاوت است.

۵-۱. بسترهای ژئوپلیتیک و ترکیب اقلیت‌ها: اقلیم کردستان محل سکونت گروه‌های متنوعی

از جمله ایزدی‌ها (عمدتاً در سنجار و شیخان)، مسیحیان (شامل کلدانی‌ها، آشوری‌ها و سریانی‌ها در دشت نینوا و اربیل)، کاکه‌ای‌ها (در کرکوک و حلبچه)، زرتشتیان (با رشد نمادین در سال‌های اخیر)، صابئین مندایی و یهودیان (با پیوندهای تاریخی) است. نگاه دولت اقلیم به این گروه‌ها تحت تأثیر سه عامل است:

الف) مشروعیت بین‌المللی: بهره‌برداری از حقوق اقلیت‌ها برای کسب حمایت غرب. دولت اقلیم با حمایت از این گروه‌ها، خود را به عنوان «جزیره ثبات و تساهل» در برابر بی‌ثباتی‌های خاورمیانه به غرب معرفی کرده و مشروعیت بین‌المللی کسب می‌کند.

ب) توازن قدرت داخلی: مدیریت تنش‌های قومی و مذهبی برای حفظ ثبات در برابر بغداد و نیروهای منطقه‌ای. اقلیم از حضور این اقلیت‌ها در مناطق مورد مناقشه (مانند کرکوک و دشت نینوا) برای تقویت ادعاهای سرزمینی و اثبات ضرورت حضور نیروهای پیشمرگه جهت «حفاظت» از آن‌ها بهره می‌برد.

ج) هویت‌سازی متمایز: از منظر ژئوپلیتیک، حضور این اقلیت‌ها نه تنها به تنوع اجتماعی اقلیم می‌افزاید، بلکه ابزار مهمی برای تعریف هویت سیاسی اربیل نیز محسوب می‌شود. در واقع، اقلیم کردستان تلاش کرده است از طریق برجسته‌سازی الگوی «چندفرهنگی» و «مداراگر»، خود را به عنوان واحدی متمایز از سایر بخش‌های عراق و نیز به عنوان بازیگری قابل اعتماد برای قدرت‌های فرامنطقه‌ای معرفی کند. در بیانی دقیق‌تر برجسته‌سازی این اقلیت‌ها، بخشی از پروژه ملت‌سازی کردی برای فاصله گرفتن از هویت یکپارچه اسلامی-عربی حاکم بر بغداد است. همچنین این حضور نه تنها غنای فرهنگی منطقه را افزایش داده، بلکه به ابزاری نرم برای دیپلماسی اربیل جهت نفوذ در نهادهای حقوق‌بشری و سیاسی قدرت‌های جهانی بدل شده است.

۲-۵. سیاست‌گذاری اقلیم در قبال اقلیت‌ها: سیاست اقلیم کردستان عراق در قبال اقلیت‌های مذهبی را می‌توان ترکیبی از عمل‌گرایی سیاسی، ملاحظات امنیتی، و بهره‌برداری نمادین از تنوع دینی دانست. اربیل این سیاست را نه صرفاً به عنوان یک تعهد حقوق‌بشری، بلکه به مثابه ابزاری برای تثبیت اقتدار داخلی، افزایش مشروعیت خارجی و مدیریت رقابت‌های منطقه‌ای به کار گرفته است (قاسم بایز و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۷۷). در بیانی شفاف‌تر سیاست اقلیم را می‌توان «سکولاریسم عمل‌گرایانه» نامید. اربیل تلاش می‌کند با ترویج گفتمان «همزیستی مسالمت‌آمیز»، هویت کردی را فراتر از مذهب (اسلام سنی) تعریف کند تا به اقلیت‌ها احساس امنیت بدهد. این رویکرد ابزاری برای مقابله با نفوذ ایدئولوژی‌های رادیکال مذهبی است که می‌توانند ثبات منطقه را تهدید کنند. در این چارچوب، اقلیم کردستان کوشیده است از مکانیسم‌های ذیل بهره بگیرد:

الف) الگوی «تساهل کنترل‌شده»: اقلیم می‌کوشد تصویری از خود به‌عنوان منطقه‌ای امن، چندفرهنگی و باز برای اقلیت‌ها ارائه دهد. این رویکرد در عمل به معنای: به رسمیت شناختن بخشی از هویت دینی و فرهنگی اقلیت‌ها؛ حمایت از برخی نمادها، جشن‌ها و مراکز مذهبی؛ اجازه فعالیت محدود به سازمان‌ها و نهادهای مدنی وابسته به اقلیت‌ها؛ - و در عین حال، حفظ نظارت سیاسی و امنیتی بر کنش‌های آن‌هاست. به بیان دیگر، تساهل در اقلیم غالباً «مشروط» و «قابل تنظیم» است؛ یعنی تا جایی حمایت می‌شود که با انسجام سیاسی اربیل، روابط آن با بغداد، و ملاحظات امنیتی داخلی تعارض پیدا نکند.

ب) جذب اقلیت‌ها در ساختار سیاسی و اداری: یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست‌گذاری اقلیم، «ادغام‌گرینشی اقلیت‌ها» در ساختارهای رسمی است. این ادغام در چند سطح رخ می‌دهد: اعطای کرسی‌های نمادین یا محدود به نمایندگان اقلیت‌ها در پارلمان محلی؛ مشارکت دادن چهره‌هایی از اقلیت‌ها در شوراها، وزارت‌خانه‌ها و نهادهای فرهنگی؛ استفاده از زبان «شهروندی اقلیمی» برای کاستن از مرزبندی‌های مذهبی؛ و تلاش برای نمایش این گروه‌ها به‌عنوان بخشی از هویت سیاسی اقلیم، نه صرفاً گروه‌های حاشیه‌ای است. این سیاست اگرچه می‌تواند به کاهش احساس طردشدگی کمک کند، اما در بسیاری موارد به دلیل محدود بودن اختیارات واقعی اقلیت‌ها، بیشتر جنبه «نمایشی و نمادین» دارد تا مشارکت‌محور.

ج) امنیتی‌سازی و مدیریت تهدید: اقلیم در عین نمایش مدارای دینی، نسبت به هرگونه کنش مستقل اقلیت‌ها حساس است. از این رو، سیاست آن نسبت به اقلیت‌ها با نوعی «امنیتی‌سازی نرم» همراه است. این وضعیت در موارد زیر دیده می‌شود: کنترل فعالیت‌های سیاسی و رسانه‌ای گروه‌های اقلیتی؛ نظارت بر ارتباطات فراملی برخی جوامع مذهبی؛ حساسیت نسبت به نفوذ بازیگران بیرونی در میان اقلیت‌ها؛ و مدیریت شدید مناطق محل سکونت اقلیت‌ها، به‌ویژه در مناطق مورد مناقشه است. در واقع، اقلیم می‌کوشد اقلیت‌ها را همزمان «حمایت» و «مهار» کند؛ یعنی از آن‌ها برای مشروعیت‌سازی بهره‌برد، اما اجازه ندهد به بازیگران مستقل و رقیب سیاسی تبدیل شوند.

د) بهره‌گیری از اقلیت‌ها در دیپلماسی عمومی: اقلیم کردستان در سطح بین‌المللی، حمایت از اقلیت‌های مذهبی را به بخشی از دیپلماسی عمومی خود تبدیل کرده است. اربیل با برجسته‌سازی

حمایت از ایزدی‌ها، مسیحیان و دیگر اقلیت‌ها تلاش می‌کند: خود را از دولت مرکزی بغداد متمایز نشان دهد؛ در افکار عمومی غرب، چهره‌ای معتدل و قابل اعتماد بسازد؛ و حمایت نهادهای حقوق‌بشری، سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های غربی را جلب کند. این رویکرد به‌ویژه پس از ظهور داعش اهمیت بیشتری یافت؛ زیرا اقلیم توانست از بحران‌های ناشی از خشونت فرقه‌ای برای تقویت جایگاه خود در نظام بین‌الملل استفاده کند.

ه) پیوند اقلیت‌ها با پروژه ملت‌سازی کردی: سیاست اقلیم در قبال اقلیت‌ها بخشی از پروژه بزرگ‌تر «ملت‌سازی کردی» است. در این چارچوب، تنوع مذهبی نه تهدید، بلکه ابزاری برای ساختن یک هویت سیاسی فرامذهبی تلقی می‌شود. هدف این است که «کردستان» به‌عنوان واحدی سیاسی-هویت‌ی، فراتر از مرزهای سنتی دینی و قومی تعریف شود (Aziz, 2014). اقلیت‌ها در این پروژه به عنوان نشانه‌ای از «چندفرهنگی بودن» اقلیم معرفی می‌شوند؛ هویت کردی به‌صورت هویتی باز و مدرن بازنمایی می‌شود؛ و شکاف با الگوهای سنتی حاکم بر عراق و برخی بازیگران منطقه‌ای برجسته می‌گردد.

و) محدودیت‌ها و تناقض‌های سیاست اقلیم: با وجود این سیاست‌های اعلامی، اقلیم با چند تناقض جدی روبه‌روست: نابرابری در دسترسی واقعی اقلیت‌ها به قدرت سیاسی؛ وابستگی شدید حمایت‌ها به ملاحظات امنیتی و نه حقوقی؛ آسیب‌پذیری اقلیت‌ها در مناطق مورد مناقشه و در برابر فشار گروه‌های مسلح؛ و امکان استفاده ابزاری از آن‌ها در رقابت با بغداد، ترکیه، ایران یا سایر بازیگران. از این منظر، سیاست اقلیم در قبال اقلیت‌ها را باید «ابزاری، انعطاف‌پذیر و تابع معادلات قدرت» دانست؛ سیاستی که میان «نمایش تساهل» و «کنترل سیاسی» در نوسان است.

۶. پیامدهای امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران

برای فهم پیوند میان سیاست‌های اقلیم و امنیت ملی ایران، طراحی یک «مدل مفهومی» ضروری است. در واقع، این جدول نشان می‌دهد که چگونه اقدامات «نرم» و «فرهنگی» اقلیم در قبال اقلیت‌ها، به صورت مکانیکی به «تهدیدات سخت» یا «چالش‌های ژئوپلیتیک» برای جمهوری اسلامی ایران ترجمه می‌شود.

جدول شماره (۲): مدل تحلیلی پیوند سیاست‌های اقلیم و پیامدهای امنیتی برای ایران

نوع سیاست‌گذاری اقلیم (KRG)	مکانیسم «امنیت‌سازی» (بوزان)	پیامد «ژئوپلیتیک» برای ایران	سطح تهدید برای ایران
راهبردی (نفوذ)	کاهش نفوذ رسمی دولت مرکزی عراق و نفوذ ایران در مناطق مرزی	ایجاد «واحد سرزمینی» تحت حمایت مستقیم اربیل	نهادسازی برای اقلیت‌ها (ایجاد شوراهای خودمختار در دشت نینوا)
امنیتی (نظامی)	تثبیت حضور نظامی/اطلاعاتی رقبا در نزدیکی مرزهای ایران	تبدیل اقلیت‌ها به «پایگاه حضور بین‌المللی»	دیپلماسی قربانی‌انگاری (جذب حمایت مالی/نظامی غرب به بهانه حمایت از اقلیت‌ها)
هویتی (نرم)	مجموعه امنیتی فعال شدن گسل‌های هویتی-قومی در مرزهای غربی ایران	تغییر «بافت هویتی»	پروژه‌های بازگشت و اسکان (تغییر بافت جمعیتی مناطق حساس مانند سنچار)
نرم (نفوذ)	تضعیف دیپلماسی عمومی و فرهنگی ایران در منطقه	ایجاد «گرایش‌های فکری» جدید	آموزش‌های مذهبی/فرهنگی خاص (ترویج هویت‌های غیرهمسو با محور مقاومت)

مطابق با آنچه که در جدول شماره (۲) آمده است امنیت جمهوری اسلامی ایران از تحولات اقلیم به چند طریق متأثر می‌شود:

۶-۱. **تهدید نفوذ اطلاعاتی و امنیتی:** تنوع مذهبی و اقلیت‌های تحت حمایت غرب در اقلیم، فضایی را برای فعالیت سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه (مانند موساد یا سیا) فراهم کرده است (Faddis, 2020). حضور گروه‌های اقلیت که دارای پیوندهای فراملی هستند، می‌تواند به عنوان پوششی برای ایجاد پایگاه‌های رصد یا عملیاتی علیه ایران استفاده شود. مطالبات گروه‌های تجزیه طلب‌گردی در مناطق‌گردنشین ایران علاوه بر تأثیرپذیری از ایده‌ی استقلال‌خواهی اقلیم کردستان عراق که باعث تقویت هویت‌گردی در منطقه شده، به دلیل کاهش جدی اقتدار حکومت مرکزی عراق و متأثر از اقدام‌های تحریک‌آمیز اسرائیل و آمریکا هم بوده و زمینه را برای سوءاستفاده گروه‌های تجزیه طلب‌کردی از موقعیت سیاسی و جغرافیایی اقلیم کردستان عراق فراهم کرده است. «اسناد

لانه جاسوسی آمریکا در سال ۱۳۵۸ افشا نمود که اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها امیدوار بودند اگر کردها و سایر گروه‌های قومی در راستای اهداف مشترک با همدیگر متحد شوند، می‌توانند جمهوری اسلامی را سرنگون سازند. آنان پس از انقلاب اسلامی مداوم به دنبال تحریک اقوام ایرانی به ویژه کردها برای فشار بر جمهوری اسلامی بوده‌اند. آمریکا برای رسیدن به چنین هدفی از احساسات ناسیونالیسم کُردی، اختلافات مذهبی، فقر فرهنگی، اقتصادی و نقاط ضعف شخصیت‌های وابسته سوءاستفاده کرده و با کمک‌های نظامی و مالی درصدد بوده تا کشور ایران را تجزیه کند. بنابراین در راستای عملیاتی کردن طرح تجزیه‌ی ایران در همان ماه‌های نخست پیروزی انقلاب از طریق پیمان ناتو به حزب دموکرات کردستان ایران کمک مالی نمود» (عبداللهی ضیاءالدینی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷). از این منظر، اقلیم کردستان می‌تواند به صحنه‌ای برای ترکیب فعالیت‌های سیاسی، بشردوستانه و اطلاعاتی تبدیل شود؛ به‌ویژه در مناطقی که کنترل امنیتی ضعیف‌تر است یا در آن‌ها شبکه‌های غیردولتی و فراملی حضور پررنگ‌تری دارند. این وضعیت، لزوم هوشیاری امنیتی ایران را در مرزهای غربی دوچندان می‌کند.

۶-۲. همگرایی اقلیت‌ها و ناامنی در مناطق مرزی: برخی اقلیت‌های مذهبی در اقلیم دارای ریشه‌های مشترک با جوامع مذهبی در مناطق غربی ایران هستند. سیاست‌های اقلیم در حمایت از این گروه‌ها می‌تواند به عنوان الگویی برای مناطق مرزی ایران عمل کرده و چالش‌های هویتی یا تحرکات قوم‌گرایانه/مذهبی ایجاد کند. در چنین شرایطی، هرگونه سوءاستفاده از مطالبات فرهنگی یا مذهبی می‌تواند به تقویت شبکه‌های نفوذ نرم منجر شود. این مسأله به‌ویژه زمانی حساس‌تر می‌شود که بازیگران بیرونی بکوشند از تفاوت‌های مذهبی برای ایجاد شکاف میان دولت مرکزی ایران و برخی جوامع محلی بهره‌برداری کنند. استقلال خواهی اقلیم کردستان عراق اگرچه به لحاظ ذهنی و عاطفی تأثیراتی بر کردهای ایران داشته و ناسیونالیسم کُردی را در مناطق کُردنشین ایران تقویت نموده، اما حضور آمریکا در این اقلیم حتی در سطوح متوسط و یا ضعیف هم مرزهای غربی کشور و تمامیت ارضی این مناطق را با تهدیدهای اساسی مواجه می‌کند. «دولت آمریکا با حمایت کردها زمینه‌ی سقوط صدام را فراهم کرد و دست آنان را بیش از سایر گروه‌ها در بازی‌های داخلی و منطقه‌ای باز گذاشته و آن‌ها نیز با استفاده از موقعیت و فرصت فراهم آمده حوزه‌ی نفوذ خود را افزایش داده‌اند» (Saleem, 2017: 4). هدف آمریکا از دخالت در مسأله‌ی کردها، پیش برد منافع استراتژیک خود در منطقه و در راستای منافع اسرائیل می‌باشد.

گروه های تجزیه طلب کومله، دموکرات و پژاک در تحلیل های خود با اقتباس از وضعیت گردهای عراق نسخه ی فدرالیسم را برای ایران به عنوان گزینه ای مناسب معرفی و تبلیغ می کنند. درواقع تاسیس خودمختاری سبب گردیده تا مشروعیت دولت های دارای گروه های قومی و مذهبی زیر سوال برود و این اقلیم توانسته است اقداماتی را فراتر از مرزهای رسمی انجام بدهد و با برخورداری از منابع اقتصادی و اجتماعی توجه قدرت های خارجی را به خود جلب کند. به نظر می آید چنین اقدام هایی اگرچه در کوتاه مدت باعث سرنگونی دولت ها نمی شود، اما می تواند به مرور تغییرات قابل توجهی در سیاست های داخلی به وجود آورد و این کشورها را دگرگون و با بحران قومی مواجه کند. درواقع «استقلال خواهی این اقلیم تحت نظر آمریکا به عنوان یک قدرت جهانی رقیب ایران هدایت می شود» (Dorsey, 2018: 66) و اقلیم کردستان عراق نیز با رویکرد تجزیه طلبی و استقلال خواهی توانسته محیطی را فراهم کند که فی نفسه برای تمامیت ارضی مناطق کردنشین ایران خطرآفرین باشد.

۳-۶. مدیریت جریان های سلفی و رادیکال: یکی از نقاط اشتراک منافع ایران و اقلیم، مقابله با افراط‌گرایی مذهبی است. سیاست حمایت از اقلیت‌ها در اقلیم، مانعی در برابر گسترش نفوذ جریان‌های سلفی تکفیری است که تهدیدی مشترک برای هر دو طرف محسوب می‌شوند. در این بستر، همکاری‌های امنیتی یا حداقل هماهنگی‌های غیررسمی میان ایران و اقلیم می‌تواند در مهار تهدیدات ناشی از تروریسم، قاچاق تسلیحات و تحرکات شبکه‌های افراطی مؤثر باشد. با این حال، تفاوت‌های سیاسی و بی‌اعتمادی متقابل، دامنه این همکاری‌ها را محدود کرده است.

۴-۶. یافته‌ها و تحلیل نهایی

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که سیاست‌های اقلیم کردستان عراق در قبال اقلیت‌ها، بیش از آنکه بر مدار مدارای مذهبی باشد، بر مدار «سیاست بقا و گسترش نفوذ» است. برای جمهوری اسلامی ایران، این امر به معنای: لزوم تقویت دیپلماسی عمومی با اقوام و مذاهب مختلف در کردستان عراق؛ نظارت هوشمندانه بر تحرکات امنیتی در مناطق اقلیت‌نشین هم‌مرز و تأکید بر تمامیت ارضی عراق به عنوان تضمین‌کننده امنیت متقابل است. «در نهایت، امنیت ملی ایران در مناطق هم‌مرز با اقلیم کردستان، نه از طریق «سیاست‌های سخت» و یا «ایزوله کردن اقلیم»، بلکه از طریق «نفوذ ساختاری» تأمین می‌گردد. راهبرد پیشنهادی این پژوهش، گذار از «مدل موازنه‌ی منفی» (تلاش برای تضعیف

اقلیم) به «مدل کنش‌گری شبکه‌ای» است. در این مدل، اقلیت‌های مذهبی نه به عنوان «ابزارهای سیاسی رقبا»، بلکه به عنوان «ستون‌های پایداری منطقه‌ای» دیده می‌شوند. اگر ایران بتواند در لایه‌های هویتی و اقتصادی این اقلیت‌ها حضور یابد، در واقع «هندسه امنیت مرزهای غربی» را به‌گونه‌ای بازسازی کرده است که تلاش‌های نفوذ رقبا در اربیل، پیش از رسیدن به مرحله عملیاتی، در لایه‌های اجتماعی این مناطق خنثی خواهد شد.»

۷. راهبردهای پیشنهادی برای مدیریت «مجموعه امنیتی» توسط جمهوری اسلامی ایران

۷-۱. **دیپلماسی متقارن (جایگزینی مدل تقابلی با مدل هم‌افزایی):** جمهوری اسلامی ایران به جای تقابل با اقلیم در مناطق اقلیت‌نشین، باید «دیپلماسی فراگیر» را در پیش بگیرد. فی الواقع باید با اقلیت‌های مذهبی (ایزدی‌ها، مسیحیان و کاکه‌ای‌ها) نه به عنوان «کارت بازی اربیل»، بلکه به عنوان «جوامع محلی خودمختار» در چهارچوب قانون اساسی عراق وارد تعامل شود. هدف از این امر نیز نشان دادن اینستکه ایران «حامی ثبات و حقوق اقلیت‌ها» در کل عراق است، نه فقط در مناطق شیعه‌نشین. این کار «انحصار حمایت» را از دست اقلیم خارج می‌کند.

۷-۲. **ایجاد کنسرسیوم‌های اقتصادی «فرا-قومی»:** یکی از دلایل اصلی موفقیت اقلیم، نفوذ اقتصادی از طریق پروژه‌های عمرانی است. لذا جمهوری اسلامی ایران باید با تشکیل «کنسرسیوم‌های اقتصادی ایران-عراق-اقلیت‌ها» و مشارکت دادن بخش خصوصی اقلیت‌های مذهبی در پروژه‌های بازسازی مناطق بحران‌زده (مثل سنجان و نینوا)، وابستگی معیشتی این گروه‌ها را به جای «اربیل»، به «بازارهای ایران» یا «اتصال ایران به سوریه» پیوند بزند. هدف از این امر تبدیل «اقلیت‌های مذهبی» از «تهدید امنیتی» به «شرکای اقتصادی» است.

۷-۲. **مدیریت ادراکی (نبرد روایت‌ها):** اقلیم از طریق «رسانه‌های بین‌المللی» تصویری از خود به عنوان «تنها محافظ اقلیت‌ها» می‌سازد (موسوی نیا، ۱۳۹۶: ۵-۱). لذا جمهوری اسلامی ایران باید اقدام به راه‌اندازی «مراکز گفت‌وگوی بین‌الادیانی» در شهرهای مرزی با تمرکز بر مشترکات تاریخی ایران با این اقلیت‌ها (مانند ریشه‌های فرهنگی مشترک ایران با کاکه‌ای‌ها یا تاریخ مسیحیت در ایران) نماید. هدف از این امر قطعاً شکستن «روایت انحصاری اقلیم» و ترویج این ادراک که ایران «پشتیبان تاریخی تنوع مذهبی» در غرب آسیاست.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف واکاوی ژئوپلیتیک سیاست‌گذاری اقلیم کردستان عراق در قبال اقلیت‌های مذهبی و بازتاب آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که اقلیم کردستان از «مسأله اقلیت‌ها» به‌عنوان یک ابزار راهبردی در سه سطح بهره‌برداری می‌کند: نخست در سطح داخلی، برای تقویت مشروعیت سیاسی خود در برابر دولت مرکزی بغداد؛ دوم در سطح بین‌المللی، جهت «امنیت‌سازی» از وضعیت اقلیت‌ها برای جلب حمایت و حضور بازیگران فرامنطقه‌ای؛ و سوم در سطح پیرامونی، به‌مثابه اهرمی برای مدیریت موازنه‌های امنیتی با جمهوری اسلامی ایران.

تحلیل‌های انجام‌شده در چارچوب نظریات واقع‌گرایی ساختاری و مجموعه امنیتی منطقه‌ای حاکی از آن است که کشمیری اقلیم، ماهیتی «بقامحور» و «موازنه‌ساز» دارد. اقلیم کردستان با ایجاد پیوند ارگانیک میان «هویت اقلیت‌ها» و «امنیت منطقه‌ای»، در عمل لایه‌ای از حفاظت تحت حمایت قدرت‌های خارجی را در مناطق مرزی ایجاد کرده است. این فرآیند، امنیت ملی ایران را از سه طریق به چالش می‌کشد:

۱. تضعیف عمق راهبردی: افزایش حضور بازیگران فرامنطقه‌ای در جوار مرزهای غربی ایران تحت پوشش حمایت از حقوق اقلیت‌ها؛
۲. فعال‌سازی گسل‌های هویتی: ایجاد زمینه برای تحركات قومی-مذهبی در مناطق مرزی که می‌تواند به بی‌ثباتی‌های ادراکی و امنیتی منجر شود؛
۳. تغییر در هندسه امنیتی مرزها: تبدیل مناطق خاکستری به نقاط کانونی برای اعمال فشار سیاسی و دیپلماتیک بر تهران.

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که سیاست اقلیم در قبال اقلیت‌ها، بخشی از یک پروژه بلندمدت برای تثبیت موقعیت اقلیم به‌عنوان یک «بازیگر مرجع» در ژئوپلیتیک پساداعش عراق است. جمهوری اسلامی ایران برای مدیریت این چالش، نیازمند گذار از «واکنش‌های انفعالی» به «کنشی پیش‌دستانه» است. این راهبرد باید بر محورهای نظیر دیپلماسی متقارن، تقویت پیوندهای اقتصادی فرا-قومی با همه طیف‌های مذهبی عراق (فراتر از مرزبندی‌های کردی)، و مدیریت ادراکی محیط پیرامونی استوار باشد تا ضمن خنثی‌سازی پروژه‌های امنیتی‌سازی اقلیم، ضریب نفوذ و عمق استراتژیک جمهوری اسلامی در این منطقه حساس حفظ و تقویت گردد.

فهرست منابع

- ابوالفتحی محمد؛ لطفی، کامران و صادقی عاطفه (۱۴۰۲). جنبش کردی و تعارضات هویتی- قومی عراق (تمرکز بر دوران بعد از فروپاشی سلطنت در عراق، مطالعات سیاسی بین النهرین، ۲(۴)، ۵۱۷-۴۷۳.
- احمدزاده، داوود (۱۴۰۱). حضور نیروهای معاند در اقلیم کردستان و پیامدهای امنیتی آن برای ج.ا. ایران، مطالعات راهبردی جهان اسلام، ۲۳(۹۰)، ۶۰-۳۵.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولتها و هراس، ترجمه پژوهشگرده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشگرده مطالعات راهبردی.
- بوژمهرانی، حسن و پوراسلامی، مهدی (۱۳۹۳). تهدیدهای نرم خودمختاری اقلیم کردستان عراق و تأثیر آن بر کردهای ایران. جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ۱(۲)، ۱۱۰-۸۷.
- خاطرخواه آناقیز، علی و پوستینچی، زهره (۱۴۰۱). اسرائیل؛ استقلال خواهی کردستان عراق و تهدیدات آن برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، پژوهش های روابط بین الملل، ۱۲(۴۷)، ۶۷-۳۹.
- رضایی، داود و نصری، قدیر (۱۴۰۱). مهم ترین کنشگران تحول آفرین در اقلیم کردستان عراق، امنیت ملی، ۱۱(۴۴)، ۱۰۴-۷۷.
- رکابیان، رشید؛ خندان، سیروس و زارعی، فاطمه (۱۴۰۳). روابط رژیم صهیونیستی با اقلیم کردستان عراق و چالش‌های پیش روی محور ایران (۲۰۱۱-۲۰۲۴)، تحقیقات سیاسی و بین المللی، ۱۶(۶۱)، ۹۸-۱۱۲.
- عیسی اکری و نجار، شیرزاد (۱۳۹۰). ویژگی‌های اقلیم کردستان عراق، گفتگو، ۵۸.
- قاسم بایز، هیمن؛ روحی، عباد و شریفی، ارکان (۱۴۰۱). حمایت سیاسی از حقوق اقلیتها در میان کردها با تمرکز بر اقلیم کردستان عراق، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۵(۵)، ۵۹۱-۵۷۷.
- محمدی، حمیدرضا و خالدی، حسین (۱۳۹۱). ژئوپلیتیک کردستان عراق، تهران: نشر انتخاب.
- موسوی نیا، سیدعارف (۱۳۹۶). بررسی تأثیر رسانه‌های اقلیم کردستان عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، ۳(۱۰)، ۱-۱۸.
- نصری، قدیر و رضایی، داود (۱۳۹۲). امکان‌سنجی استقلال اقلیم کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، امنیت‌پژوهی، سال ۱۲(۴۴)، ۵۶-۲۹.
- نیری، بیژن و انصاری، محمدامین (۱۳۹۱). نقش قومیت‌ها در تکاپوی فدرالیسم نوین سیاسی عراق، مطالعات روابط بین‌الملل، ۵(۲۰)، ۱۹۴-۱۶۳.

یزدان پناه، کیومرث؛ کامران، حسن و رنجبری کمال (۱۳۹۶). تحلیلی بر ژئوپلیتیک اقلیم کردستان عراق بعد از فروپاشی داعش، جغرافیا، ۱۵ (۵۳)، ۳۷-۵۴.

Aziz, Mahir A. (2014). *The Kurds of Iraq: Nationalism and Identity in Iraqi Kurdistan* (Library of Modern Middle East Studies), Publisher: I.B. Tauris

Dorsey, J. M. (2018). "Whither the Kurds" in, *Europa Ethnica*, 75(1-2), at: <https://www.nomos-elibrary.de/10.24989/0014-2492-2018-12-64>.

Faddis, Sam (2020). *The CIA War in Kurdistan: The Untold Story of the Northern Front in the Iraq War*, Havertown, PA: Casemate Publishers.

Hendessi, Mandala (2024). *The Kurds: The Struggle for National Identity and Statehood*, Published by: Agenda Publishing, 19 December, pp. 97 - 108. DOI: <https://doi.org/10.1017/9781788217187.007>[Opens in a new window].

Rajabi, Mohammad (2023). "Strategies and Behavioral Patterns of Iraqi Kurdistan in the Iran-Israel Confrontation", *Iranian Review of Foreign Affairs (IRFA)* . Vol. 14, No. 1, Issue. 37, winter 2023 and spring 2024 PP. 23-44

Saleem, Z. A. (2017). *Iran and Iraqi Kurdistan: Heading Toward Confrontation*. at: <https://www.washingtoninstitute.org/fikraforum/view>.

Stansfield, G. R. V. (2003). *Iraqi Kurdistan: Political Development and Emergent Democracy*. London/ New York: RoutledgeCurzon.

Waltz, Kenneth Neal (1979). *Theory of International Politics*. Reading, MA: Addison-Wesley.

Yildirim , Kemal (2020). *Kurdistan Regional Government Foreign policy Perspectives and Diplomacy: The international role of the KRG and the future development of its para-diplomacy*, Publisher : LAP LAMBERT Academic Publishing.